

سیاست و عملکرد دولت‌های ج.ا. ایران در رابطه با اقوام استان خوزستان دوره چهار ساله ریاست جمهوری دکتر روحانی و اثر آن بر توسعه اقتصادی و جغرافیایی استان

علی عیدی شیخ رباط

دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسایل ایران، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

عبدالرحمن حسنی فر*

استادیار، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

محمدسالار کسرائی

دانشیار، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

علی اکبر امینی

استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

چکیده

موضوع قومیت یکی از مولفه‌های بسیار مهم در رسیدن به پیشرفت و توسعه چه در عرصه امنیتی، اقتصادی و سیاسی هر جامعه‌ای می‌باشد. از این رو ست که هویت‌نمایی رسانه‌های یکی از شاخصه‌های مهم، تلقی و با پیوند میان اقوام ایجاد وحدت جایگاه مهمی در اتحاد ملی ایفا می‌کند. با حذف ناسیونالیسم قومی و نهاد سازیسازمانی و توأمند سازی اقوام می‌توان بستری مناسب برای مشارکت نهادی در متن نظام اجتماعی بیابد و باهمگرایی اقوام ضریب امنیت ملی افزایش می‌یابد و با توجه به ژئوپلتیک قومیت‌ها در جمهوری اسلامی ایران و به دلیل تنوع این قومیت‌ها خودشان از تصویری روشن از همزیستی مسالمت‌آمیز آنها منعکس می‌نمایند. تنوع قومیت‌ها به عنوان یک واقعیت تاریخی سیاسی همواره با جغرافیای سیاسی ایران پیوند خورده است. هدف از این مطالعه بررسی سیاست و عملکرد دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در رابطه با اقلیت‌های استان خوزستان (دوره هشت ساله ریاست جمهوری دکتر روحانی به عنوان دولتی اعتدال طلب) می‌باشد، روش تحقیق کاربردی و از حیث روش شناسی به صورت کیفی و انجام مصاحبه‌های نیمه‌باز توسط جامعه آماری خبرگان شامل اساتید قوم‌شناسی استان خوزستان، مدیران اجرایی و روسای اقوام و... صورت پذیرفته و میزان مولفه‌های ۱۶ گانه مورد نظر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژگان: سیاست و عملکرد، اقلیت‌های استان خوزستان، اعتدال طلبان، توسعه اقتصادی و جغرافیایی.

* نویسنده مسئول: kadirv.parvin@vatanmail.ir

مقدمه

استان خوزستان بیش از هر عصر دیگری در دوران پس از انقلاب با پویش‌های سیاسی ناشی از تنوع فرهنگی و قومی مواجه بوده است این امر از یک سو متأثر از نقش، ایدئولوژی، ساختار و سیاست دولت‌ها بوده و از سوی دیگر مبتنی بر کنش و نگرش‌های گروه‌های قومی به منظور نیل به عدالت و برابری اجتماعی، احراز موقعیت بهتر شهروندی، حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی و دستیابی به سهم بیشتر از محل توزیع قدرت می‌باشد. در پاسخ به پویش‌های قومی، طیفی از رفتارها و سیاست‌ها از سوی دولت‌ها پذیرفته نشده است و برخی دیگر ضمن هم‌نوایی با مطالبات قومی بصورت سیاست‌های مبتنی بر نگرش مثبت به مانند مجاز دانستن اشکال خاصی از نمایندگی، مشارکت یا تسهیم قدرت، اتحاد و همگرایی اقلیت‌ها اتخاذ و تجربه شده است. گروه بندی‌های قومی که ریشه در شکاف‌های تاریخی جوامع دارد، پدیده‌ای فرهنگی است که بر هنجارها، ارزش‌ها، اعتقادات، نمادها و اقدامات فرهنگی مشترک تکیه دارد. خوزستان به عنوان استانی انرژی‌ک و با موقعیتی استراتژیک در ایران شناخته می‌شود. که دارای بیشترین تنوع قومی و فرهنگی با هویت‌های متنوع می‌باشد تلاش در جهت بهبود و ارتقا جایگاه اقوام این استان در ساختار فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور براساس تنوع قومی فرهنگی، موجود در آن بر پایه احترام به هویت آنها از مهمترین دغدغه‌های دولت‌های پس از انقلاب بوده است (کریمی پور، ۱۳۸۸: ۱۵). دولت‌های اصولگرا و اعتدال طلب نیز ذیل قوانین بالادستی نظام و رویکرد آنها در جهت تحلیل تاریخی اقوام خوزستان و هویت‌ها و خرده فرهنگ‌های موجود در این منطقه در مسیر آرمان‌های انقلاب و نیز در راستای سند چشم انداز ۱۴۰۴ سعی داشته‌اند با این مهم سیاست‌های خاص خود را دنبال کنند.

یکپارچگی ملی بیشتر دولت-ملت‌ها همواره متأثر از دو نیروی مخالف جانب مرکز یا همگرا و نیروی گریز از مرکز یا واگراست. از دیدگاه جغرافیای سیاسی سه عامل مهم یکپارچگی در یک دولت عبارتند از:

۱- پیوستگی فرهنگی ۲- میزان تاثیر پذیری از دولت مرکزی ۳- وجود یک عامل هویت بخش ملی مورد قبول کلیه شهروندان می‌باشد (در ایسدل، آلاسداير و بلیک، جرالداچ ۱۳۷۰، ص ۱۹۸). از سوی دیگر باید گفت پیوستگی فرهنگی و حتی ناحیه‌گرایی سیاسی ملت‌ها متأثر از هفت شاخص می‌باشد: زبان، مذهب، نژاد و قومیت، توسعه متوازن یا نامتوازن منطقه ای، میزان مشارکت گروه‌های جمعیتی در مدیریت سیاسی منطقه‌ای و ملی، ساختار اجتماعی قومی و میزان پشتیبانی بین المللی از نیروی واگرا (کریمی پور: ۴۴، ۱۳۸۰). وجود فضای کنش‌های نوسازی فرهنگی، ساختار اجتماعی و پیامدهای آن، در حوزه جغرافیایی ایل‌ها و طوایف عرب و بختیاری مستقر در خوزستان طی دهه‌های اخیر نمایانگر عدم تطبیق نیازمندی‌های آنها با برنامه‌های دولت‌های می‌باشد به همین علت آنها بدنبال توسعه نفوذ خود در شهرهای مهم استان و در ادامه حفظ و گسترش آن هستند. هموطنان عرب، بختیاری و فارس زبان از منظر همگرایی نسبت به حاکمیت این پتانسیل را دارند که از نوعی همگرایی هویتی یا همگرایی متقارن با حاکمیت برخوردار باشند. یعنی شکاف هویتی خیلی قوی‌ای با حاکمیت ندارند و اگر شکاف‌های متقاطع نظیر شکاف نژادی یا زبانی در این بین وجود داشته باشد در صورت برنامه ریزی درست، این شکاف‌ها نمی‌تواند بر عامل بسیار قوی همگرایی دینی و مذهبی آنها با مرکز تاثیر چندانی بگذارد.

باید عنوان نمود که موارد یاد شده فوق پس از بررسی و ارزیابی در محیطی واقعی شامل مصاحبه، پرسشنامه و سپس تحلیل و تطبیق آنها با اسناد بالادستی و قوانین موجود مغایرت‌ها معین و راهبردها و راهکارهای لازم جهت برون رفت از برخی چالش‌های پیش رو آسیب شناسی خواهد گردید. به سخن دیگر ضمن ارزیابی عملکرد مدیریتی سیستم، نگاه مردم منطقه و مطالبات آنها نیز در مواجهه با یکدیگر پایش شده، تا پس از طی مراحل مذکور بتوان به نتایج متقن تری دست یافت.

پژوهش حاضر یک تحقیق علمی پژوهشی با زمینه پیمایش میدانی و به صورت مقطعی می‌باشد. جامعه آماری کارشناسان و خبرگان فعال در منطقه خوزستان و آشنا به فرهنگ و خصوصیات محل می‌باشند. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی

خوشه‌ای استفاده شده و از تعداد ۱۰۰ نفر پرسش‌ها انجام می‌گیرد. نوع تحقیق نیز از جمله تحقیقات کاربردی و به صورت توصیفی - تحلیلی از طریق ابزار مصاحبه های نیمه باز صورت پذیرفته است.

مبانی نظری

۱- عوامل و انگیزه‌های توسعه سیاسی

عوامل و انگیزه‌های گوناگونی در طرح تئوری‌های توسعه سیاسی و روند نوسازی مؤثر بودند که می‌توان به پاره‌ای از آنها در زیر اشاره کرد:

- ۱- استقرار نظام دو قطبی و کشمکش میان دو اردوگاه سوسیالیسم و سرمایه‌داری،
- ۲- گسترش روزافزون جنبش‌های سوسیالیستی، احزاب کمونیست در جهان سوم و کشورهای سرمایه‌داری اروپا و نیز استقرار دموکراسی‌های توده‌ای در سرزمین‌های اروپای شرقی،
- ۳- جنبش مکارتیسم در ایالات متحده آمریکا،
- ۴- روند رو به افزایش نهضت‌های رهایی‌بخش و جنبش‌های استقلال‌طلبانه در مستعمرات،
- ۵- افزایش و روند رو به گسترش تعداد واحدهای مستقل سیاسی در سرزمین‌های جهان سوم،
- ۶- شکل‌گیری جنبش عدم تعهد و برهم زدن سیستم موازنه دلخواه قدرت‌های بزرگ». (قوام، ۱۳۷۰: ۶۰)

۲- توسعه سیاسی در انقلاب اسلامی ایران:

در ادوار سیاسی جدید جمهوری اسلامی ایران، مقوله توسعه سیاسی با آسیب‌ها و چالش‌های مختلفی روبرو است. منشأ یکی از چالش‌های اساسی آن، درک نادرست از نسبت توسعه سیاسی با سیاست مدرن است. در واقع اگر تعریف درست و معناداری از رابطه این دو مقوله نشود، ممکن است بین طرفداران توسعه سیاسی با کارگزاران سیاست، منازعه و معارضه به وجود آید و آثار و پیامدهای ناگوار آن، علاوه بر کارگزاران این دو حوزه، دامن جامعه را نیز فراگیرد. «منازعه این دو گروه، پیش و بیش از هر چیز، به برداشت نادرست از کار ویژه و اهداف مربوطه آن‌ها بازمی‌گردد و این چنین وضعیتی، گریبان هر جامعه‌ای را بگیرد، زمینه‌ساز بحران‌های جدی در آن جامعه خواهد شد. معمول مطلوبیت و هدف اول توسعه سیاسی، دستیابی به آرمان‌های فردی همچون آزادی و حقوق مدنی است، درحالی‌که مطلوبیت و هدف اول سیاست، دستیابی به اهداف ملی همچون منافع ملی، وحدت ملی و امنیت ملی که همگی عناصر تشکیل‌دهنده هدف عالی سیاست مدرن یعنی قدرت ملی است، هست. بر همین اساس کارگزاران این دو حوزه یعنی سیاستمداران که کار ویژه آن‌ها دستیابی به هدف سیاست و آزادی خواهان که کار ویژه آن‌ها دستیابی به هدف توسعه سیاسی است، واجد اهداف و کارکردهای متفاوتی می‌شوند که اگر درک درستی از این تفاوت‌ها و همچنین از نسبت این اهداف و کارکردها با یکدیگر نداشته باشند، بسترهای تبدیل این تفاوت‌ها به تعارض و برخورد را فراهم می‌نمایند». (وفائی، ۱۳۹۳: ۸۴).

«آزادی بیان و قلم و اندیشه، دموکراسی، جامعه مدنی، حقوق بشر و... به‌عنوان تنها ارزش‌ها و آرمان‌های سیاسی موردتوجه آن‌ها بوده است اما به اهداف واقع‌گرایانه که بخشی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر عرصه سیاست در دوران جدید است کاملاً بی‌توجه بوده‌اند. اهدافی مانند حاکمیت ملی، امنیت ملی، منافع ملی، وحدت و یکپارچگی ملی، همایش سرزمینی و به‌طور کلی مؤلفه‌های کلان قدرت ملی و سیاست جدید، یا جایگاه شایسته‌ای در تفکر و عمل آن‌ها نداشته است و یا به‌طور بی‌سابقه و متفاوت با جوامع مدرن، بسیار کمرنگ و ضعیف موردتوجه آن‌ها بوده است». (وفائی، ۱۳۹۳: ۸۸).

دوره جمهوری اسلامی مابین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۲ دوره‌های متفاوتی را از حیات توسعه سیاسی تجربه کرده است. «این برهه زمانی را به پیروی از علمای سیاسی و تحلیلگران تاریخ معاصر ایران، از حیث توسعه سیاسی می‌توان به سه دوره مشخص تفکیک کرد: دوره اول که از بهمن ۱۳۵۷ (ایام پیروزی انقلاب اسلامی) شروع شده و به تیرماه ۱۳۶۰ (زمان برکناری

نخستین رئیس جمهور) ختم می‌شود؛ دوره دوم که از سال ۱۳۶۰ آغاز گردیده و در سال ۱۳۷۶ (ایام انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری) پایان می‌یابد و بالأخره دوره سوم که از سال ۱۳۷۶ تا اسفند ۱۳۸۲ (ایام انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی) را در بر می‌گیرد. (عبداللهی و راد، ۱۳۸۸: ۴۵) در این دوره مشارکت سیاسی مردم و آزادی‌های فردی و گروهی به نحو چشم‌گیری رشد یافته استن «در این دوره به دلیل فعل شدن نیروهای سیاسی - اجتماعی جدید (روشنفکران) چالش جدید میان گفتمان سنت‌گرایی ایدئولوژیک و گفتمان دموکراسی و جامعه مدنی، وقوع جنبش دوم خرداد، روی کار آمدن رئیس جمهوری با راهبرد دموکراسی و توسعه سیاسی، گسترش فعالیت‌های مطبوعاتی و انتشاراتی، توسعه ارتباطات اینترنتی، باز شدن فضای سیاسی و دلایل عدیده دیگر، توسعه سیاسی جایگاه بهتری یافت». (شهرام‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۴۰) البته شایان ذکر است که دوره سوم را می‌توان تا سال ۱۳۸۴ و انتخابات ریاست جمهوری توسعه داد.

توسعه سیاسی در ایران در دوره‌های رئیس‌جمهوری احمدی نژاد وارد فاز جدیدی شده بود. در این دوره که فعالیت‌های هسته‌ای ایران با واکنش‌های بین‌المللی روبرو شده، تحریم‌های سیاسی و اقتصادی وسیعی را به همراه داشته که باعث شده توسعه سیاسی در ایران با چالش مواجه شود و انزوا ایران را در محافل بین‌المللی شاهد باشیم. در دوره نخست ریاست جمهوری حسن روحانی، توسعه سیاسی دوران بهتری را تجربه کرده است؛ در این دوره با توافق کشورهای ۵+۱ با برنامه اقدام مشترک موسوم به «برجام» شرایط مساعدی برای توسعه سیاسی و مشارکت کشورمان در عرصه‌های بین‌المللی شاهد هستیم، هرچند سنگ‌اندازی‌ها و تحریم‌های ظالمانه آمریکا همچنان مانع اصلی در سر راه توسعه سیاسی ایران در عرصه بین‌المللی به شمار می‌روند.

۲- مفهوم سیاست‌های قومی

سیاست قومی عبارت است از طراحی و ساز و کارها و اتخاذ تدابیر مناسب به منظور تنظیم روابط بین اقوام با دولت و تبیین حقوق و تکالیف متقابل هر یک از آنها و بیان روش‌های اجرایی نیل بدان‌ها به منظور حفظ وحدت و همبستگی ملی هم زمان با مراعات و اعطای حقوق اقوام و اقلیت‌ها. سیاست قومی فعال و جامع باید موضع خود را نسبت به حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی معین کند. همچنین موضوع هر کشور ترکیب جمعیتی و سرشت دولت می‌باشد. سیاست قومی، تنظیم مناسبات اجتماع ملی و اجتماع قومی است مهم‌ترین عنصر تعیین‌کننده سیاست‌های قومی در هر نظام سیاسی محسوب می‌شود. رهیافت سیاست قومی، بر شناخت انگیزه‌ها و مقاصد رهبران و دولتمردان در قبال گروه‌های قومی و سیاست‌هایی که در جستجوی مقاصد سیاسی در داخل وضع می‌کنند و از این راه بر روند سیاست‌گذاری خارجی دولت مردان تأثیر می‌نهد تأکید دارد. بر این اساس، آنان در راستای حفظ وضعیت خود، مسئله هویت قومی را به منزله تهدید با فرصت‌های موثر در نظر می‌گیرند. در چنین فرایندی، سیاست قومی پوششی خطیر است که طی آن رهبران سیاسی را به مدیریت مسایل و چالش‌های قومی با جلب حمایت گروه‌های قومی و جلوگیری از اتحاد و همراهی آنان با مخالفان داخلی و خارجی وادار می‌کند و دامنه تحقق این اهداف را به سیاست خارجی نیز می‌کشاند.

دولت چند قومیتی به دولت‌هایی اطلاق می‌شود که چند قوم در آن در کنار هم جمع شده و در یک قلمرو از طریق ساز و کارهای سیاسی مناسب جای داده‌اند. در این دولت‌ها سهم اقوام به نسبت گسترده و جمعیت و پیشینه قدرت‌توری تنظیم می‌شود که تعلق خاطر آنها نسبت به قلمرو بر تعلق قومی پیشی گیرد (پیشگاهی فرد، ۱۳۹۴: ۸۷).

۲- تعریف گروه‌های قومی

از حیث اتیمولوژیک واژه قوم یا اتنیک از واژه یونانی اتنوس و اتیکوس ریشه گرفته که به معنای کافرکیش و بی دین است. در زبان یونانی واژه یاد شده مضمونی منفی و مطرود داشته است، اما این واژه از قرن هجدهم به این سوء مضمون منفی خود را از دست داده و به واژه خنثی و توصیفی بدل و هم معنا با مفهوم نژاد به کار گرفته شده است. حتی در ایالات متحده و در

آستانه جنگ جهانی یهودیان و ایتالیایی‌ها و سایر اقلیت‌های دیگر در مقابل اکثریت مردم انگلیسی تبار، یک قوم خوانده می‌شدند و از آن مقصودی احترام‌آمیز مراد می‌کردند (هاتچینسون و اسمیت ۱۹۹۶: ۱۵-۳). واژه قوم معنای ثابتی نداشته است و همراه با تحولات دگرگون شده است. در یکی از چاپهای «فرهنگ انگلیسی آکسفورد» که در اواخر قرن گذشته تدوین شده برای واژه قوم معنای کفر یا موهومات کفرآمیز را آورده است. این معنا به تدریج جای خود را به معنای مردم شناختی و جامعه شناختی داد. در فرهنگ بین‌المللی زبان انگلیسی و بستر دو معنا برای واژه قوم ارائه شده است. نخست قوم به معنای غیر مسیحیان و غیر کلیمیان است مانند کفار و بت پرستانی که مخالف یهودیت و مسیحیت‌اند، سپس این واژه ناظر به ویژگی‌های جسمی و ذهنی نژادها یا مربوط به تمیز دادن گروه‌های نژادی براساس رسوم و ویژگی مشترک دانسته شده است (احمدی ۱۳۷۸: ۳۰). به این ترتیب معنای واژه قوم از امری مذهبی برای مشخص کردن کفار یا افراد غیر هم‌کیش به معنایی اجتماعی تحول یافت و اموری چون رسوم یا ویژگی‌های نژادی مبنای تعریف آن شد. در اواسط قرن بیستم با اضافه شدن معیارهای فرهنگی در تعریف قومیت تحول دیگری در معنای واژه قوم روی داد و آن را بیشتر به مفهومی اجتماعی نزدیک کرد. به گفته لویس آشنایدر، کاربرد مفهوم فرهنگی واژه «قوم» آن چنان زیاد شد که تدوین کنندگان سومین فرهنگ بین‌المللی و بستر دو تعریف جدید به تعریف قومیت افزودند: ۱- قوم ریشه گرفته از علائق نژادی، زبانی و فرهنگی گروه خاص نظیر سیاهان، ایرلندی‌ها، ایتالیایی‌ها، آلمانی‌ها، لهستانی‌ها و سایر گروه‌ها، ۲- قوم ریشه گرفته از فرهنگ اولیه بیگانه. جالب این است که در نخستین تعریف به جای حرف ربط «یا» از حرف ربط «و» در عبارت علائق نژادی، زبانی و فرهنگی استفاده شده است. بنابراین در این ویژگی متمایز و مهم مفهوم نژادی تعریف اولیه نیز حفظ شده است در حالی که ایرلندی‌ها، ایتالیایی‌ها، آلمان‌ها و لهستانی‌ها به عنوان «نژادها، قابل طبقه بندی نیستند» (احمدی ۱۳۷۸: ۳۱-۳۰). نقطه مشترک همه تعاریف آن است که واژه یاد شده ناظر به گروهی اقلیت در مقابل اکثریت است. اما جامعه شناسان و مردم شناسان این واژه را برای اشاره به ارتباط میان گروهی از افراد که خود را به واسطه برخی امور و اغلب ویژگی‌های فرهنگی متمایز از دیگران قلمداد می‌کنند به کار می‌برند. در بریتانیا اصطلاح اقلیت‌های قومی از ابتدا به مهاجران غیر سفید پوست اطلاق می‌شد، حال آنکه در برخی کشورهای دیگر این اصطلاح برای اشاره به گروه‌هایی مانند بومیان استرالیا، سامی‌ها در کشورهای اسکانندیناوی، رومی‌ها یا کولی‌ها یا نخستین ملت‌های ساکن آمریکای شمالی (سرخپوستان آمریکا) که در پی زیست در خارج از حوزه اقتصاد و سیاست مدرن هستند استفاده می‌شود (گیبیرینا و رکس ۱۹۹۷: ۴).

مجموعه این مباحث نشان می‌دهد که برای مفهوم «قومی» مصداق واحد و یکسانی از سوی محققان تعیین نشده است. واژه قومی، مسیرهای متفاوت معنایی را طی کرده و هر بار برای گروه‌های متفاوت مذهبی، گروه‌های مهاجر و گروه‌های نژادی به کار رفته است. نقطه مشترک همه این تعابیر، اشاره به «غیریت» و «دیگری» است که ناظر به وجود مرزی است که در یک سوی آن افراد خودی و در سوی دیگر آن افراد غیر و بیگانه قرار گرفته‌اند. از این جهت مفهوم قومیت برای توصیف گروه‌های اقلیتی به کار می‌رود که برحسب وجود نشانه‌هایی چون مذهب، زبان و رسوم و گرایش‌ها تعریف می‌شوند. در متون پژوهشی امروزی مرتبط با مطالعات ناسیونالیسم، کاربرد واژه‌ها و اصطلاح‌هایی نظیر قومیت، گروه قومی، ناسیونالیسم قومی و کشمکش قومی بسیار رایج است، اما باید به این نکته مهم توجه داشت که اصولاً واژه‌ها و عناوینی چون قومیت و گروه‌های قومی، ریشه‌هایی جدید دارند و به ندرت می‌توان در فرهنگ‌های لغت معتبر جهانی مربوط به قرن ۱۹ میلادی، آن‌ها را یافت. اصولاً واژه قومیت تا اوایل قرن بیستم، کمتر مورد استفاده دانشمندان علوم اجتماعی قرار می‌گرفت. توجه محققان رشته‌های انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی به این واژه‌ها به دنبال گسترش مطالعات مربوط به گروه‌های اقلیت نژادی، مذهبی، زبانی و ملیت‌های ملی و نژادی به ویژه به دوران محبوبیت نظریه «کوره‌ی مذاب» برمی‌گردد (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۳).

۲- رویکرد سیاست‌های قومی

یکی از مسائل و موضوعات اساسی در جوامع چند قومی و متکثر از جمله ایران که دارای تنوع فرهنگی و قومی و خرده فرهنگ‌های ایلی، قبیله‌ای و عشیره‌ای است، نحوه مدیریت قومی و خرده فرهنگ هاست. به نحوی که ضمن تشکیل یک اجتماع ملی فراگیر و پایدار، انسجام و پیوند و همگرایی میان اقوام و خرده فرهنگ‌ها با یکدیگر از یکسو و پیوند و همگرایی آنها با دولت و هویت ملی از سوی دیگر برقرار و حفظ گردد، بعلاوه قومیت و خرده فرهنگ‌ها هویت خود را از دست ندهند.

مسئله اساسی دیگر در جوامع چند قومی چگونگی و نحوه تنظیم تعاملات، مناسبات و روابط گروه‌ها و خرده فرهنگ‌ها با مجموعه حاکمیت، نظام و دولت ملی از یک طرف و روابط آنها با یکدیگر (روابط بین قومی) از طرف دیگر می‌باشد. بدیهی است نوع، کم و کیف و سطح این روابط و تعاملات بین قومی و بین اقوام و دولت ملی در سطح و کم و کیف تحقق نظم اجتماعی، حفظ امنیت ملی، تمامیت ارضی و هویت ملی ارتباط تأثیر مستقیم و متقابل دارد.

بدیهی است نحوه اداره گروه‌های قومی و مدیریت خرده فرهنگ‌ها، کیفیت تنظیم تعاملات و پیوند اقوام با دولت ملی (روابط دولت-قومیت) و چگونگی تقسیم و توزیع منابع و فرصت‌ها و مکانیزم‌های حل و فصل نزاع‌ها و تعارض‌های قومی در اجتماعات چند قومی بستگی به نوع رویکرد و نیز تلقی و تعریف دولت از ملت و رویه‌ای دارد که دولت‌ها نسبت به اقوام درون جامعه خود اتخاذ می‌کنند که اصطلاحاً به آن سیاست‌های قومی و مدیریت تنوع قومی گفته می‌شود. لذا متناسب با انواع روابط نوع استراتژی سیاست قومی را چنین می‌توان تعریف کرد که از طریق آن می‌توان تعاملات و روابط میان اقوام و دولت و مجموعه حاکمیت از یک سو و روابط میان اقوام با یکدیگر و با بدنه جامعه ملی را از سوی دیگر تنظیم و تحت قاعده و نظم در آورد و متناسب و همسو با سایر سیاست‌های کلان موجود تغییر داد. بنابر این سیاست قومی دارای مراحل، اجزاء و ارکانی است که به هنگام طراحی بایستی رعایت و اعمال گردد. این اجزاء، ارکان و مراحل عبارتند از:

هدف گذاری: مرحله مقصد است که نتایج سیاست‌ها، برنامه‌ها و راهبردها به آن منتهی می‌گردد.

سیاست‌ها: شامل مجموعه رویکردها، رفتارها و اقدامات است.

برنامه‌ها: راهبردها، راهکارها و مجموعه اقداماتی که ماهیت و محتوای سیاست‌ها را از حوزه انتزاعی عینیت بخشیده و از قوه به فعل در می‌آورند.

ابزار و وسایل: مجموعه امکانات مادی و معنوی و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل برای تحقق سیاست‌ها و برنامه‌ها.

روش‌ها: شیوه‌ها و مکانیسم‌هایی هستند که متناسب با نوع سیاست‌ها و برنامه‌ها، نوع ابزار و وسایل مورد نیاز برای اجرای آنان را تعیین می‌سازند.

بنابر توضیحات گفته شده سیاست‌های قومی را می‌توان: مجموعه‌ای از اهداف، راهبردها، رویکردها، برنامه‌ها و اقدامات، روش‌ها، ابزارها و وسایلی تعریف کرد که از سوی حکومت‌ها برای مدیریت موثر و کارآمد و اداره جامعه در حوزه‌های کلان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی طراحی، پیگیری و اجرا می‌گردد.

به همین دلیل اگر سیاست قومی را به معنی تدبیر امور اقوام و داشتن راهبردهایی از سوی حکومت برای ایجاد همگرایی در میان اجزای تشکیل دهنده یک ملت و مقابله با نیروهای واگرا به منظور یکپارچگی سرزمین و امنیت ملی تلقی کنیم پس یکی از مهمترین اهداف سیاست قومی حفظ یکپارچگی سرزمینی است که همواره جزء راهبردهای کلان ملی نیز است.

محدوده مورد مطالعه

استان خوزستان به منطقه‌ای در جنوب غربی ایران اطلاق می‌گردد که بر کرانه خلیج فارس قرار داشته و مرکز تولید نفت و گاز ایران به‌شمار می‌آید. مساحت استان خوزستان ۶۴.۰۵۷ کیلومتر مربع است و با جمعیتی معادل ۴.۷۱۰.۵۰۶ نفر (آمارنامه

سرشماری نفوس، سازمان برنامه ریزی استان، ۱۳۹۵)، پنجمین استان پرجمعیت ایران محسوب می‌شود. شهر اهواز، مرکز استان خوزستان است. محل سکونت اقوام عرب، بختیاری، شوشتری، دزفولی، بهبهانی و ... می‌باشد. این منطقه بدلیل دار بودن ظرفیت‌های معدنی و انرژی و نیروی کار فراوان نقشی تاثیرگذار در اقتصاد ایران ایفا می‌نماید لیکن دارای در اجرای سیاست‌ها در ادوار گذشته دارای کاستی بوده که برای ساکنین آن مطالبات را به همراه فراهم نموده است که باید بصورت علمی و ترجیحا میدانی ضمن بررسی عملکرد دولت‌ها در جهت پاسخ به آنها آسیب شناسی لازم بعمل آید.



نقشه ۱: تقسیمات سیاسی استان خوزستان سال ۱۳۹۷

منبع: مرکز آمار ایران

پیشینه پژوهش

کریمی مله (۱۳۹۶) در کتابی با عنوان *درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی تنوع قومی مسایل و نظریه ها*، این کتاب دارای دو بخش می‌باشد که قسمت اول به مسائل تنوع قومی و آثار و پیامدهای آن در حوزه سیاست و جامعه شناسی سیاسی اختصاص دارد. قسمت دوم شامل یک سلسله نظریاتی است که از منظر آنها، شکل‌گیری پویس‌های قومی و یا سیاسی شدن قومیت مورد توجه و تبیین قرار گرفته است. نویسنده با اشاره به پرهیز از ورود مستقیم به مسائل ایران بیشتر تمرکز خود را بر مباحث نظری معطوف نموده است از جمله موضوعات متفاوت این کتاب طرح و نقد نظریات در حوزه جامعه شناسی سیاسی قومی می‌باشد.

احمدی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان *بررسی زمینه‌های همگرایی و واگرایی در میان اقوام ایرانی*. این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته است، ضمن معرفی اقوام عمده ساکن در کشور (آذری - کرد - لر - عرب - بلوچ - ترکمن) و بررسی آنها از منظر چهارچوب جغرافیایی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی، در صدد است تا ضمن ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از واگرایی اقوام از بدنه اصلی ملت، پیشنهاداتی نیز برای همگرایی هرچه بیشتر آنها با هم و با بخش مرکزی، ارائه کند.

حسینی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان *سیاست‌های دولت و تاثیر آن بر میزان هم گرایی یا واگرایی اقوام (مورد قوم بلوچ)*. با توجه به بررسی انجام شده با روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده از پرسشنامه و مصاحبه مشخص شد بیشترین سیاست‌های دولت که باعث شده است بلوچ‌ها در حاشیه قرار گرفته دستگاه‌های اداری و اجرایی، اطلاعاتی و امنیتی استان

سیستان و بلوچستان می‌باشد که این امر خود باعث به وجود آمدن تنش شده است تقریباً می‌توان گفت که یک حالت بحرانی دائمی و درونی ایجاد شده است که خود ضرورت تغییر سیاست‌های دولت مرکزی را در این زمینه آشکار می‌سازد. پژوهش حاضر به بررسی سیاست دولت نسبت به قوم بلوچ در شاخص‌های مختلف می‌باشد که مورد بررسی قرار گرفته است و پیشنهاد هایی در این زمینه ارائه گردیده است.

شکری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان خودگردانی شمال عراق و تأثیرات آن بر همگرایی و واگرایی اقوام کرد ایران. هرچند تنوع قومی و فرهنگی برای کشوری مانند ایران می‌تواند فرصت‌های مناسبی برای توسعه کشور فراهم کند، درعین حال می‌تواند یکی از بسترهای مهم ناامنی و تهدیدات امنیتی به شمار رود؛ به ویژه اینکه جغرافیای سیاسی قومیت‌های ایرانی مانند مرزنشینانی اکثر اقلیت‌های نژادی و مذهبی، و شکاف‌های فرهنگی میان آنها می‌تواند سبب طمع ورزی و تحریک کشورهای استعمارگر و حضور فتنه انگیز بیگانگان در آشوب‌های قومی و اختلافات مذهبی و... شود الگوی ترکیبی ملت ایران در مولفه‌های قومیت، مذهب و زبان با هم متفاوت می‌باشند و قوم کرد یکی از اقوام ایرانی می‌باشد که از حیث مؤلفه‌های نامبرده همگونی با بخش مرکزی ندارند. عسکری پورحیب و دریایی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تنوعات قومی فرصت یا تهدید» روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسش می‌باشد که چگونه می‌توان از تنوعات قومی به عنوان ابزاری جهت ایجاد وحدت ملیدر کشور استفاده کرد؟ و بر اساس این فرضیه پی‌گیری شده است که، افزایش احساسات قومیت‌گرایی می‌تواند بر همبستگی ملی آسیب وارد نماید اما می‌توان با باز تعریف ملیت‌گرایی از آسیب‌های آن جلوگیری به عمل آورد. نتیجه این که با رعایت حقوق اقلیت‌های قومی و افزایش رفاه در این مناطق می‌توان از تنوعات قومی به عنوان سدی در مقابل تهدیدات منطقه‌ای و هویتی کشورهای منطقه استفاده کرد.

بدیعی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان عوامل تأثیرگذار بر همگرایی و واگرایی اقوام در ایران: مطالعه موردی، کردها. در کشور ایران با تنوع زبانی، قومی و جغرافیایی، فرایند ملت‌سازی به همراه تمرکز گرایی شدید می‌تواند با توجه به افزایش خودآگاهی قومی و تشدید روند ارتباطات و اطلاعات در عصر جهانی شدن، منجر به آسیب‌های جدی به یکپارچگی ملی شود. در این راستا، قوم کرد ساکن در نواحی غرب و شمال غرب کشور، بسته به تصمیمات حکومت مرکزی، تحولات منطقه‌ای و جهانی، گاهی به صورت همگرا و گاهی نیز واگرا با جهت‌گیری مرکزی عمل نموده است. تحقیق حاضر با استفاده از روش تحلیلی توصیفی به دنبال - بررسی دلایل همگرایی و همچنین واگرایی کردهای ایرانی است.

کریمی‌پور، یدالله و کوثر (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «عرب‌های خوزستان: واگرایی و همگرایی»، زمینه‌های مختلف همگرایی و واگرایی اعراب خوزستان را بررسی کرده‌اند و راهکارهایی را برای جلوگیری از واگرایی آنها ارائه کرده‌اند. در این مقاله مشخص شد که به رغم عوامل متعددی که در تقویت توان واگرایی اعراب خوزستان نسبت به هسته مرکزی دولت - ملت مؤثرند، جهت‌گیری کلی آنها تا آینده قابل دید، بر راستای همگرایی با آرمان‌های کشور استوار است. شیعه بودن اعراب خوزستان ضمن آن که نقش محوری در همگرایی این استان نسبت به هسته ملی داشته است، اثری کاهنده بر عوامل واگرایی به جای می‌گذارد؛ جهان‌بینی اعتقادی، عرب‌های خوزستان و سایر ایرانیان را در یک راستا قرار داده است. علاوه بر این، عامل بنیادی در اقلیت بودن عرب‌ها در خوزستان نسبت به سایر گروه‌های قومی، زوال تدریجی و محتوم ساختار قبیله‌ای، افزایش روند تدریجی و مستمر اندرکنش اقتصادی و فرهنگی عرب‌ها با سایر استان‌ها، چیرگی همه جانبه و فزاینده‌ی دولت در این استان و پیوندهای ژرف و پایه‌ای بدنه‌ی جامعه‌ی شهری خوزستان جلگه‌ای با اقتصاد نفتی، در کاهش نشانه‌های واگرایی و تقویت نسبت به دولت مرکزی مؤثرند.

بختیارپور و همکاران (۱۳۹۰). در مقاله‌ای با عنوان «نقش اعراب خوزستان در دفاع سرزمینی»، در این مقاله مشخص شده است که اعراب خوزستان با توجه به عوامل همگرا از جمله پیوستگی تاریخی سرزمین خوزستان، مذهب تشیع، توسعه

صنعتی، ارتباطات، جنگ تحمیلی، مشارکت سیاسی و زمینه‌های تاریخی دفاعی، خود را جزیی از هویت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌دانند و نقشی برجسته در دفاع از سرزمین خوزستان بر خود قائل می‌باشند.

افضلی و همکاران (۱۳۸۷). در مقاله‌ی «تبیین اثرات جنگ ایران و عراق بر هویت قومی اعراب خوزستان»، نتایج نشان می‌دهد اقوام عرب خوزستان همچون گذشته طی جنگ ایران و عراق در کنار سایر هم میهنان خود به دفاع از تمامیت ارضی ایران پرداخته و به رغم تصور رژیم عراق وفاداری آنها به ایران هرگز مورد انکار قرار نگرفت. جنگ تحمیلی هر چند باعث افزایش آگاهی هویت قومی اعراب ایرانی نسبت به هویت قومی خود گردید ولی بین هویت قومی اعراب ایرانی نسبت به هویت ملی شان همبستگی ایجاد نمود و نیروهای مرکزگرا را در میان آنها تقویت نمود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سطوح مختلف هویت قومی در بین اعراب (اجتماعی، تاریخی، سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی) رابطه معناداری دارند. هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب خوزستان هر کدام سطوحی خاص و متمایزی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد، به عبارت دیگر هویت قومی در مقابل هویت ملی قرار نمی‌گیرد.

بیژنی و عزتی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «کالبد شکافی جنبش‌ها و گروه‌های قومی در استان خوزستان»، به تحلیل قومیت‌های ساکن در استان خوزستان پرداخته‌اند. نگارندگان جنبش‌ها و احزاب قوم عرب در استان خوزستان را به عنوان یکی از اقوام کهن ایرانی مورد کالبد شکافی قرار داده‌اند و مشخص شد که این جنبش‌ها از لحاظ تعداد کمی جمعیت، پتانسیل جغرافیایی و ژئوپولتیکی، مذهب تشیع و مرزنشین بودن از شرایط ویژه‌ای برخوردار هستند. همزیستی و احساس تفاهم با کشورهای همجوار از منظر وابستگی و تعلق اقتضاء نموده است تا راهکارهای علمی مناسب جهت پرهیز از بروز تنش و بحران حاکمیت ملی در منطقه ارائه و تبیین شود که تأکید بر حفظ ارزش‌های مشترک از قبیل مذهب، ملیت و فرهنگ مهم-ترین آنها هستند.

یافته های پژوهش

در مطالعات میدانی در جهت سنجش سیاست و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال اقوام مطالعه موردی استان خوزستان (۸۴-۱۳۹۶) که شامل دو دولت با ساختارهای اصول گرا (ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد) و ساختارهای اعتدال طلب (ریاست جمهوری دکتر روحانی) در دوازده زمانی هشت ساله می باشد از خبرگان و مدیران استان خوزستان که شامل مدیران اجرایی، اساتید دانشگاهی، اقتصاددانان، معاونان شهرداری ها، بزرگان و ریش سفیدان اقوام استان خوزستان سوالات پرسشنامه مورد نظر به بوته پرسش قرار گرفته است در این بخش به بررسی ویژگی های جمعیت شناختی و مشخصات دموگرافیک این افراد می پردازیم.

جدول ۱. مولفه های دموگرافیک خبرگان تحقیق

مولفه دموگرافیک			
جنسیت	مرد	زن	
	۵۶	۴۴	
وضعیت تاهل خبرگان	مجرد	متاهل	
	۵۸	۴۲	
وضعیت سنی خبرگان	۳۰-۴۰ سال	۴۰-۵۰ سال	بیشتر از ۵۰ سال
	۲۴	۵۰	۲۶
وضعیت تحصیلی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری
	۵۵	۲۸	۱۷
سمت کاری خبرگان	بزرگان قبایل و اقوام	مدیران اجرایی	اساتید دانشگاهی

منبع: یافته‌های پژوهش

معرفی دولت دکتر روحانی

حسن روحانی، روحانی و سیاست‌مدار ایرانی، رئیس‌جمهوری فعلی جمهوری اسلامی ایران، استاد پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژیک و همچنین نماینده مردم استان تهران در مجلس خبرگان رهبری از سال است. روحانی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و رئیس تیم هسته‌ای و مذاکره‌کننده ارشد ایران با سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و بریتانیا درباره برنامه هسته‌ای ایران، از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ عضو شورای عالی امنیت ملی به نمایندگی از رهبر جمهوری اسلامی ایران و از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۲ رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز بوده‌است. روحانی سابقه پنج دوره نمایندگی مردم در مجلس شورای اسلامی را دارد و نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در دوره چهارم و دوره پنجم، بوده‌است. در ۲۲ فروردین ۱۳۹۲، حسن روحانی با نام «دولت تدبیر و امید»، شعار اعتدال‌گرایی، نماد کلید و رنگ بنفش برای انتخابات ریاست جمهوری رسماً اعلام نامزدی کرد او در ۱۷ اردیبهشت، با حضور در ستاد انتخابات وزارت کشور، نام خود را برای رقابت ۲۴ خرداد ثبت کرد. سرانجام او با اعلام وزارت کشور با کسب ۱۸٬۶۱۳٬۳۲۹ رأی و کسب ۷۰/۵۰ درصد آرا رسماً به عنوان هفتمین رئیس‌جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. روحانی برای انتخاب مجدد با شعار دوباره ایران در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ رقابت کرد. در پی انتخاباتی که در روز جمعه ۲۹ اردیبهشت در ایران و با شرکت ایرانی‌های سراسر جهان برگزار شد، حسن روحانی با ۲۳٬۶۳۶٬۶۵۲ رأی و کسب ۵۷ درصد آرا رئیس‌جمهور ایران باقی ماند (https://fa.wikipedia.org/wiki/حسن_روحانی). در طول چهار سال اول ریاست جمهوری دولت دکتر روحانی تدابیر و استراتژی‌های بسیاری در رابطه با اقوام ایرانی پیاده‌سازی و اجرا گردید که بعضاً دارای نقاط قوت و ضعف زیادی بوده‌اند برای بررسی دقیق‌تر این سیاست‌ها پرسش‌های مطرح شده را در قسمت بعد که توسط خبرگان مورد ارزیابی قرار گرفته است را تجزیه و تحلیل نموده ایم.

نگرش‌های مبتنی بر قوم‌گرایی

با توجه به اطلاعات بدست آمده است از خبرگان و تجزیه و تحلیل سوالات پرسشنامه متوجه این مطلب گشتیم که نگرش‌های مبتنی بر قوم‌گرایی در دولت اعتدالات آقای دکتر روحانی نیز در سطح پایین و کیفیت نامطلوبی قرار گرفته است، به طوری که ۶۶ درصد از افراد و خبرگان مورد نظر در سطح استان خوزستان تأثیرات آن را بسیار کم و ناچیز برشمردند و تنها ۲۷ درصد از افراد تأثیر دولت اعتدالات بر نگرش‌های مبتنی بر قوم‌گرایی را دارای میزان بالایی دانستند. نکته قابل توجه بالاتر بودن میزان رضایت افراد در باب نگرش مبتنی بر قوم‌گرایی در دوره اعتدالات و ریاست جمهوری دکتر روحانی نسبت به دولت دکتر احمدی نژاد به عنوان یک دولت اصولگرا بوده است و نکته قابل توجه دیگر آن است که با وجود پیشرفت‌هایی که در سال‌های گذشته در رابطه با تأثیر مثبت بر نگرش‌های مبتنی بر قوم‌گرایی در سطح استان خوزستان به وجود آمده اما همچنان این پارامتر دارای ضعف‌های قابل وضوح می‌باشد که بایستی توسط سیاستمداران و دولت‌های بعدی مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گیرد تا این میزان به حداقل مقدار کاهش پیدا کند.

شایسته‌سالاری

با ایجاد دولت اعتدالات دکتر روحانی از سال ۱۳۹۲ میزان شایسته‌سالاری در سطح استان خوزستان و اقوام موجود در آن با توجه به اطلاعات به دست آمده تا مقادیر بسیار زیادی رشد قابل توجهی را نشان داده است به طوری که میزان نظرات خبرگان در این باره از تأثیر کم دولت اصولگرایان که ۷۱ درصد بوده است به ۵۲ درصد کاهش پیدا کرده است و نشان‌دهنده افزایش شایسته‌سالاری در اقوام استان خوزستان در سال‌های گذشته در دولت اعتدالات دکتر روحانی بوده ایم که توانسته

است تاثیر بیشتری را بر اتحاد ملی داشته باشد البته میانگین نظرات به دست آمده نشان دهنده وضعیت مطلوب در میزان شایسته‌سالاری در سطح اقوام خوزستان می باشد زیرا ۵۲٪ خبرگان تاثیر دولت اعتدالات را بسیار کم دانستند در این رابطه بایستی بیان کرد که هرچند که دولت اعتدالات دکتر روحانی از سال ۱۳۹۲ تاثیرات بسزایی را در رابطه با شایسته سالاری در میان اقوام استان خوزستان ایجاد نموده اند اما این میزان حاصل شده بایستی همواره ادامه پیدا کند تا به میزان قابل توجهی از موفقیت در سال های آینده برای حداکثرسازی اتحاد ملی دست پیدا نماییم.

سطح امنیت اجتماعی اقوام

امنیت اجتماعی در دوران ریاست جمهوری آقای دکتر روحانی به عنوان یک دولت اعتدال طلب نسبت به دولت قبل به میزان قابل توجهی رشد داشته است به صورتی که با توجه به اطلاعات به دست آمده از تعداد منتقدین از ۵۲ درصد در دوره اصولگرا به ۳۲٪ دولت اعتدالات دکتر روحانی میزان نظرات منفی کاهش پیدا کرده است و ۴۴ درصد از خبرگان وضعیت مطلوبی را به کار آمدن دولت اعتدالات در جهت پیشبرد امنیت اجتماعی اقوام استان خوزستان را قائل دانستند، بایستی توجه داشت که امنیت اجتماعی به خصوص در استانی همچون خوزستان با دارا بودن اقوام متعدد این اصل اجتناب ناپذیر می باشد که همواره بایستی از سوی استانداران، فرمانداران و سیاست‌های کلی دولت مرکزی مورد توجه قرار گیرد که بتواند سطح منطقه و استان را از بروز هرگونه ناامنی های اجتماعی و عدم ثبات سیاسی پاکسازی نماید که دولت اعتدالات دکتر روحانی میزان این امنیت را تا حدود قابل توجهی اعتدال نموده اند.

ایدئولوژی (مذهب شیعه) در دولت دکتر روحانی

در طول ریاست جمهوری دکتر روحانی به عنوان دولت اعتدالات میزان اتحاد و ایدئولوژی جهت بالا بردن اتحاد ملی تا حد قابل توجهی نسبت به دوران ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد کاهش پیدا کرده به طوری که منتقدان این مولفه از ۴۲ درصد دولت نهم به ۵۸٪ دولت دکتر روحانی رسیده‌اند و موافقان وجود سیاست‌های مطلوب ایدئولوژی از ۳۷ درصد به ۱۷ درصد کاهش پیدا کرده است. کاهش تاثیرات ایدئولوژی اقوام بر اتحاد ملی و میزان ایدئولوژی محوری شیعیان در بین اقوام استان خوزستان در طول ریاست جمهوری دکتر روحانی افت شدیدی را تجربه کرده است شاید یکی از دلایل وجود این سیاست ها را بتوان به رسیدگی بیش از حد دولت اعتدالات دکتر روحانی به سیاست های خارجی دانست و عدم کارایی مناسب بسیاری از مدیران منطقه ای که در بخش ایدئولوژی شیعیان مسئول ارتقای این پارامتر بسیار موثر بوده‌اند را نام برد. پیشنهاد می گردد که با افزایش قدرتمند سازی ابزارهای ایدئولوژی میزان این پارامتر را مجدد به دوران قبل از ریاست جمهوری دکتر روحانی باز گردد که در حد مطلوبی در آن دوران قرار داشته است

مدیریت سیاسی استان

در دولت دکتر روحانی با توجه به کاهش مدیریت سیاسی مناسب نسبت به دولت دکتر احمدی نژاد با مشکلات بسیاری در این زمینه روبرو بوده ایم، همانطور که از نتایج نظرسنجی خبرگان بر می آید که تعداد افراد ناراضی نسبت به مدیریت سیاسی از ۳۲ درصد دولت احمدی نژاد به ۵۴ درصد در دولت اعتدالات دکتر روحانی افزایش پیدا کرده است و این افزایش بسیار چشمگیر و قابل توجه می باشد و افراد دارای نظرات مثبت از ۴۲ درصد از دولت احمدی نژاد به ۳۴ درصد در دولت دکتر روحانی کاهش پیدا کرده اند که نشان دهنده عملکرد ضعیف دولت اعتدالات در رابطه با پیاده سازی مدیریت سیاسی مطلوب در سطح اقوام استان خوزستان می باشد بایستی توجه داشت که سیاست‌های دولت مرکزی توسط استانداران و سایر عوامل اجرایی دولت در سطح استان پیاده سازی می گردد. با توجه به این که مدیریت سیاسی دولت دکتر روحانی در سایر استان ها دارای رشد چشمگیری بوده است نمی توان علت عدم مدیریت سیاسی مناسب در سطح استان خوزستان و اقوام آن را فقط به

دولت مرکزی و سیاست های آن مرتبط دانست. بلکه نحوه اجرای این سیاست ها در سطح فرمانداری ها و استانداری ها نتوانسته است که سیاست‌های دولت مرکزی را به خوبی در سطح اقوام استان خوزستان مدیریت گرداند.

تصمیم گیری های سیاسی استان

در دولت دکتر روحانی نسبت به دولت دکتر احمدی نژاد با توجه به نظر خبرگان میزان در نظر گرفتن شرایط اقوام و تصمیم گیری بر پایه آن از ۵۷ درصد نارضایتی در دولت دکتر احمدی نژاد به ۳۲ درصد در دوره دکتر روحانی به عنوان دولت اعتدالات نارضایتی ها کاهش داشته است و همچنین ۴۴ درصد از خبرگان معتقد هستند که تصمیم گیری های سیاسی بر پایه شرایط اقوام در دولت اعتدالات در میزان مناسب و مطلوبی قرار داشته که از ویژگی های مثبت این دوره به حساب می آید باید توجه داشت که تصمیم گیری های سیاسی بایستی هم راستا با تصمیم گیری های شرایط اقوام استان ها به خصوص استانی همچون خوزستان باشد که نقش بسزایی را در همگرایی با دولت مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر عهده آنان می باشد. هرگونه کوتاهی در رابطه با تصمیم گیری های سیاسی مغایر با فرهنگ و آداب و رسوم و همچنین مغایرت با منش اقوام استان خوزستان می تواند و اگرایی غیر قابل جبرانی را در سطح استان و به صورت بلندمدت ایجاد گرداند.

نگرش اصولگرایی در دولت دکتر روحانی

طبیعتاً نگرش اصولگرایی در نگاه اعتدال طلبان از ویژگی های کمتری نسبت به دوره اصولگرایان تحت تاثیر قرار می گیرد با توجه به اطلاعات بدست آمده از نظر خبرگان ۴۲ درصد از افراد نظریه مبتنی بر آن را دارند که نگرش اصولگرایی در دولت اعتدالات در کمترین میزان توانایی خود قرار گرفته است البته در رابطه با نگرش اصول گرایی در میان اعتدال طلبان بایستی این مطلب را جایز دانست که هر دولتی چه اعتدال طلب و اصولگرا نسبت به قوانین اساسی جمهوری اسلامی ایران مکلف بوده و بایستی تمامی برندها و قوانین حقوق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را رعایت نماید. اما با توجه به دیدگاه های متفاوتی که در میان رسیدن به این اهداف و قانون گذاری ها وجود دارد اعتدال طلبان در سال های گذشته رویه ای متفاوت را برای رسیدن به یک هدف مقصود نسبت به اصولگرایان در پیش گرفته اند همچنین این امر نیز در رابطه با اصولگرایان نیز صدق می کند هرچند که این تفاوت در دیدگاه ها در سال های گذشته موجب تفاوت نظرهایی شده است اما خوشبختانه شاهد آن هستیم که همه دیدگاه های متفاوت در حول نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران جریان داشته و هدف ارتقاء امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران به خصوص در بین اقوام استان های مرزی همچون خوزستان می باشد.

نگرش اعتدال طلبی در دولت دکتر روحانی

دولت اعتدالات دکتر روحانی طبیعتاً دارای استراتژی های اعتدال طلبی می باشد در این راستا در تمامی دولت های اعتدال گرا شواهدی از موفقیت را دیده ایم و با توجه به نظرات افراد و خبرگان استان خوزستان ۴۰ درصد افراد موافق بوده اند که نگرش های اعتدال طلبانه دولت دکتر روحانی نتایج و عملکردهای مثبتی را در پی داشته است هدف از ایجاد دولت دکتر روحانی در همان ابتدای کار در سال ۱۳۹۲ با پشتیبانی بسیاری از دولت مردان اعتدال طلب ایجاد یک دولت اعتدال طلب با ویژگی های خاص خود بوده است. بعد از ایجاد دولت دکتر روحانی طبیعتاً استراتژی های اعتدال طلبی به واسطه حمایت های پیش از انتخابات در دستور کار ایشان قرار گرفته است البته بسیاری از استراتژی های اعتدال طلبان توسط سایر سیاست مداران کشور مورد تایید قرار نگرفته اند اما بایستی در نظر داشت که این جریان دارای تفکرات خاص خود میباشد که نتوانسته است در سال های گذشته آنها را در بین مردم نهادینه کرده و تفکرات حاصل از اعتدال طلبی را به عنوان یک اصل اجتناب ناپذیر در بین مردم نهادینه شده است.

پاسخگویی احزاب سیاسی

در دولت دکتر روحانی به عنوان دولت اعتدالات اکثر خبرگان معتقد هستند که احزاب سیاسی پاسخگوی خواسته های اقوام استان خوزستان تا حد زیادی بوده اند و طبق نظرسنجی اعلام شده میزان نارضایتی ها از ۶۲٪ دولت دکتر احمدی نژاد به ۳۶ درصد در دولت دکتر روحانی رسیده است و نشان دهنده آن است که دولت اعتدالات در ایجاد و تمرکز و ساختار احزاب سیاسی نقش مثبتی را ایفا کرده است. همانطور که می دانیم تشکیل احزاب سیاسی در بین اقوام و مرکزیت دادن به آن می تواند حس اتحاد ملی را در بین اقوام به خصوص در اقوامی که با یکدیگر مشکلات قومی و قبیله‌ای را دارند را حل و فصل نماید و سیاست‌های دولت مرکزی در ایجاد این احزاب سیاسی می‌تواند به اتحاد ملی و همچنین همگرایی نسبت به دولت مرکزی را در سال های آینده ایجاد نماید. همانطور که در دولت اعتدالات در سال‌های گذشته توانسته است با ایجاد احزاب سیاسی در بین اقوام استان خوزستان این سطح از پارامترهای مربوط به اقوام را تا حد قابل قبولی نسبت به دولت دکتر احمدی نژاد ارتقاء و بهبود بخشد.

فرهنگ (آداب و رسوم) در دولت اعتدال طلب

توجه به فرهنگ و آداب و رسوم در میان اقوام استان خوزستان در دولت دکتر روحانی و دولت اعتدالات در سطح بالاتری نسبت به دوره اصولگرایان قرار گرفته است اما به طور کلی شرایط مطلوبی را رقم زده است. می‌توان با توجه به نتایج بیان داشت که میزان نارضایتی های خبرگان نسبت به نگاه داشت از آداب و رسوم اقوام استان خوزستان از ۷۱ درصد دوره دکتر احمدی نژاد به ۵۳ درصد رسیده است که با توجه به کم شدن این مقدار اما هنوز هم وضعیت توجه فرهنگی اقوام در وضعیت مطلوبی قرار نگرفته است. بایستی توجه داشت که دولت اعتدالات با تمام تلاشی که تا امروز در مسیر حفظ و نگهداشت از فرهنگ و آداب و رسوم اقوام استان خوزستان داشته است. به نظر می آید که این مقدار نسبت به دولت اصولگرایی دکتر احمدی نژاد در سطح بالاتری بوده باشد اما همچنان نقاط ضعف بسیاری را در سطح استان در قبال احیا و زنده سازی آداب و رسوم و فرهنگ اقوام شاهد نبوده ایم در این زمینه بایستی سازمان‌هایی همچون میراث فرهنگی و گردشگری و استانداری استان خوزستان که متصدی مستقیم در امر حفظ و نگهداشت از آداب و رسوم و فرهنگ اقوام بودند را در جهت پیشبرد اهداف دولت مرکزی در اجرای سیاست‌های کلان در این بخش مورد بررسی قرار داد که شاید این موضوع در در قامت این مقاله نگنجد اما همواره باید توجه داشت دولت های متعدد بر سر کار آمده پس از انقلاب اسلامی همواره در جهت حفظ فرهنگ و آداب و رسوم و اقوام تلاش‌های بسیاری را انجام داده اند که نبایستی از کنار آنها به سادگی گذشت اما نکته قابل توجه شناسایی نقاط ضعف مدیریتی در این رابطه می باشد که بایستی در دولت های بعدی با استفاده از استراتژی های مطلوب پیاده سازی و اجرا گردند.

نقش غالب اقوام در سطح استان

در دولت اعتدالات دکتر روحانی برخلاف دولت اصولگرایان تصمیم گیری اقوام غالب بر سیاست‌های بسیار اندک شده است به صورتی که از نظر سنجی های حاصل از خبرگان ۴۷ درصد افراد نقش اقوام قالب را بسیار کم دانسته و این میزان نسبت به دوره اصولگرایان نزول شدیدی داشته است که وضعیت مطلوبی را برای دوره آقای دکتر روحانی و اعتدالات را نشان نداده است. باید توجه داشت که اقوام استان خوزستان به مانند سایر اقوام دارای قوم ها و قبیله های متعددی می باشند که با توجه به بافت سنتی که در بین آنها وجود دارد ریش سفیدان و بزرگانی در بین این افراد وجود دارد. اقوام دارای بزرگی و کوچکی با توجه به تعداد خانوار ها و جمعیت آنها تقسیم بندی می شوند. بایستی توجه داشت که دولت مرکزی می‌بایست تصمیم گیری های خود را با توجه به نظرات ریش سفیدان و بزرگان قوم های بزرگتر و تاثیر گذار تر قرار دهد و انتظار اقوام نیز آن است که دولت مرکزی نسبت به بزرگ مردان و ریش سفیدان اقوام قبلی خود احترام لازم را بگذارند متأسفانه دولت اعتدالات

نتوانسته است آن چنان که شایسته اقوام استان خوزستان می باشد این سیاست را پیاده سازی نمایند همان طور که بیان شد درصد موفقیت آنها در این امر نسبت به دولت اصولگرای دکتر احمدی نژاد در سطح پایین تری قرار گرفته است.

۵-۱۳ آداب و رسوم اقوام در رویکرد اصولگرایی:

در دولت دکتر روحانی به عنوان یک دولت اعتدال طلب رابطه آداب و رسوم و نقش اصولگرایی در میان اقوام استان خوزستان نتوانسته است به خوبی تبیین شود و میزان رضایت خبرگان از ۶۳٪ دولت دکتر احمدی نژاد به ۵۰ درصد در دولت دکتر روحانی رسیده است البته این میزان نیز قابل قبول بوده و تنها در مقایسه با دولت اصولگرا دارای نزول می باشد همانطور که آمار به دست آمده از نظر سنجی خبرگان مشخص گردیده است با توجه به حضور یک دولت اعتدال طلب اما هنوز شاهد آن هستیم که ۵۰ درصد از افراد به خصوص خبرگان معتقد هستند که آداب و رسوم و فرهنگ اقوام بر پایه اصولگرایی که هم راستا با قوانین آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می باشد قرار گرفته است که این آمار نشان دهنده وضعیت مطلوبی در بین اقوام استان خوزستان می باشد هرچند که نسبت به دولت دکتر احمدی نژاد دارای یک کاهش جزئی بوده است است که با توجه به سیاستهای متفاوت دولت از یکدیگر این امر بدیهی به حساب می آید.

دریافت حق استان از منابع انرژی

در دولت دکتر روحانی و اعتدالات از سال ۱۳۹۲ تا به امروز با توجه به نظرات مورد بررسی قرار گرفته میزان نارضایتی‌ها نسبت به دولت اصولگرا در میزان حق انرژی استانی کاهش پیدا کرده است اما همچنان ۴۵ درصد افراد اعتقاد دارند که حق ایشان از منابع نفتی و غیره به طور عادلانه توزیع نشده است. بحث توزیع عادلانه ثروت در کشور به خصوص در استان خوزستان امری بدیهی بوده است که در طول تاریخ چه قبل از انقلاب و چه پس از انقلاب با چالش‌های اساسی با آن روبرو بوده ایم. مردمان استان خوزستان به خصوص اقوام معتقد هستند که حق آنها نسبت به میزان ثروتی که در در قالب جامعه کشور ایران تولید می کند به صورت عادلانه توزیع نگشته است و نگاه دولت مرکزی در سال‌های متمادی و دولت‌های اصولگرا و اعتدال طلب نشان دهنده آن بوده است که این تقسیم ثروت به صورت عادلانه صورت گرفته است و هیچگاه این مناقشه نتوانسته است تا سر حد مطلوبی به نتایج قابل اتکایی برسد. اما آنچه که توسط خبرگان مورد بررسی قرار گرفته است عدم دسترسی عادلانه به ثروت توسط مردم و استان خوزستان بوده است و شاید اگر نگاهی گذرا به سطح استان خوزستان داشته باشیم و این استان را به استان‌های دیگر کشور از لحاظ زیرساخت‌های عمرانی، فرهنگی و اجتماعی و غیره مقایسه کنیم این تفاوت را در بین آنها شاهد باشیم.

سیاست گذاری های زیست محیطی

در دولت دکتر روحانی یا همان دولت اعتدالات با توجه به آمار به دست آمده از میزان رعایت قوانین و حقوق محیط زیست میزان نارضایتی افراد بیشتر شده و این سیر تصاعدی که از میزان ۲۱ درصد نارضایتی دولت دکتر احمدی نژاد به ۴۵ درصد در دولت دکتر روحانی رسیده نشان از عدم سیاست‌های مناسب محیط زیست افراد اعتدال طلب در سطح استان خوزستان را نشان می دهد. متأسفانه در این پارامتر که حفاظت از محیط زیست استان خوزستان و اقوام موجود در آن را نشان می دهد شاهد آن بوده ایم که میزان نارضایتی‌ها در دولت اعتدال طلب به دو برابر دولت اصولگرای دکتر احمدی نژاد رسیده است. البته نمی توان از وجود عارضه‌هایی همچون کم کاری‌های کشورهای همسایه همچون عراق در ایجاد ریزگردها در سطح استان نیز غافل بمانیم. زیرا عدم سیاست‌های درست کشورهای همسایه نیز باعث شده است محیط زیست استان خوزستان توسط ریزگردها از مشکلات اصلی این استان در سال‌های گذشته می باشد تحت تاثیر قرار بگیرد در مسائلی همچون حفظ و نگهداری جنگل‌ها و مسیرها و رودخانه‌ها و گونه‌های جانوری و گیاهی نیز ضعف‌هایی نسبت به دولت‌های اصولگرایی قبلی

همچون دولت دکتر احمدی نژاد را شاهد بوده ایم. توصیه می‌کنیم که میزان این استراتژی های محیط زیستی در برابر اقوام استان خوزستان در دولت های آتی با توجه به ضعف های موجود در دولت فعلی به حداکثر کارایی خود برسد.

تقسیم عادلانه انرژی

در دولت دکتر روحانی و تلاش هایی که در این راستا صورت پذیرفته است میزان نارضایتی جهت تقسیم عادلانه انرژی با توجه به منابع در سطح استان استانداری قرار گرفته است و خبرگان از ۵۴ درصد نارضایتی در دولت دکتر احمدی نژاد به ۲۸ درصد نارضایتی در دولت دکتر روحانی رسیده اند که یک پیشرفت قابل توجه را نشان می‌دهد که دستاورد مهمی برای اعتدال‌طلبان می باشد. اما همچنان بایستی به این نکته اشاره کرد که اقوام استان خوزستان و بخصوص بومیان این استان همچنان مدعی آن هستند که تحقق هدف آنها از منابع انرژی که در سطح کشور وجود دارد به طور عادلانه ای در بین اقوام و بومیان استان توزیع نشده است. البته بایستی به این نکته اشاره کرد که بسیاری از اقوام و بومیان استان خوزستان افراد عشایری میباشند که اکثر زمان های سال را در پی کوچ از منطقه‌ای به منطقه دیگر می باشند و طبیعتاً فراهم ساختن حق انرژی برای آنها کاری بسیار دشوار می باشد هرچند که این عزیزان بایستی مانند باقی هموطنان عزیز از موهبت منابع انرژی به یک میزان و به طور عادلانه بهره مند شوند اما بایستی در نظر داشت که فراهم آوردن سطح انرژی و امکانات انرژی برای بسیاری از این عزیزان نه تنها در سطح استان خوزستان که در استانهای همچون چهارمحال و بختیاری، لرستان، آذربایجان، کردستان و استان های کوهستانی و همچنین استان هایی با شرایط اقلیمی غیر قابل پیش بینی بحث توزیع عادلانه انرژی را دچار نقصان کرده است. امید می‌رود که با تدابیر دولت مرکزی در طی سال‌های آینده بتوانیم انرژی را به طور عادلانه در سطح تمامی روستاها و حتی برای عشایر عزیز فراهم نماییم اما نکته قابل توجه آن است که این اصل در مسیر پیشرفت قرار گرفته است.

رضایت مندی از اقتصاد فعلی

با روی کار آمدن دولت اعتدالات دکتر روحانی میزان نارضایتی ها از ۲۳ درصد دولت اصولگرا به ۴۶ درصد رسیده است و این نشان دهنده وجود تورم بسیار فزاینده در این دوران می باشد. دورانی که کشاورزی و دامداری اقوام را تحت تاثیر قرار داد تا جایی که تنها ۵ درصد از افراد احساس رضایتمندی در این زمینه داشته اند متأسفانه در طول ریاست جمهوری دکتر روحانی شاید به دلیل آنکه با سیاستهای کشورهای همچون ایالات متحده آمریکا در اعمال تحریم‌های دوچندان از سوی ریاست جمهوری آمریکا دونالد ترامپ مواجه شده است موجبات این امر را فراهم ساخته است. همچنین با کاهش فروش نفت بسیار زیاد نسبت به دولت اصولگرای دکتر احمدی نژاد احساس ضعف اقتصادی نه تنها در استان خوزستان و اقوام آن بلکه در تمامی کشور ایران در دوره دوم ریاست جمهوری دکتر روحانی به شدت قابل احساس بوده است. البته این شرایط در دور دوم ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد نیز تا حدودی به چشم خورده است اما میزان آن را نمی توان با توجه به دیدگاه خبرگان با وضع فعلی که دوره دوم ریاست جمهوری آقای روحانی می باشد مقایسه کرد به طوری که بسیاری از اقوام و بومیان به علت عدم قوانین مناسب در صادرات محصولات کشاورزی و دامداری از وجود چنین سیاست هایی بسیار ناراضی می باشند و زندگی این افراد تحت تاثیر قرار گرفته است.

نتیجه گیری و پیشنهادات

همانطور که در مباحث پیشین نیز بیان شد استان خوزستان همواره در طی کسب حق انرژی برای مردمان و اقوام خود دارای چالش‌های اساسی روبرو بوده است این موضوع تنها به دوران پس از انقلاب باز نمی گردد بلکه بازه ای تاریخی دارد. در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی سیاست های متعددی در این رابطه به کار گرفته شده است به طوری که دولت‌های مختلف تدابیر و استراتژی‌های خاصی را در این باره در نظر گرفته و از همه مهمتر دو جریان اصولگرا و اعتدال‌طلب از تاثیرگذارترین عامل های این برنامه ها بودند، با توجه به گرایش های دولت‌های بعد از انقلاب به اصولگرایی و اعتدال‌طلبی

۶۲ درصد از افراد از خبرگان موجود در این تحقیق در نظر داشته‌اند که در دوران اعتدال‌طلبان تحقق حقوق افراد در رابطه با انرژی بسیار بهتر از سایر ادوار بوده و ۳۸ درصد نیز نظری مخالف را داشتند به صورت کلی نمی‌توان نظری ثابت را در مورد سیاست‌های تقسیم انرژی در دو جریان اعتدال‌طلب و اصولگرا و پیاده‌سازی و آن را در سطح استان خوزستان و اقوام آن را قضاوت کرد زیرا سیاست‌ها و تدابیر دولت‌ها با یکدیگر متمایز نمی‌باشد و بعضاً دور اندیشی‌هایی را در دستور کار قرار داده‌اند. به طور مثال سیاست‌ها و استراتژی‌هایی را که در زمان دولت اصولگرایی دکتر احمدی‌نژاد اجرا و پیاده‌سازی گشته است ممکن است که تبعات و نتایج خود را در دوران آقای روحانی نشان دهد و همچنین بسیاری از استراتژی‌ها و دستاوردهای دولت دکتر روحانی نیز ممکن است در دولت دیگر نمود پیدا کند برای همین بسیاری از دست‌یافته و رهاورد‌های موجود در این دوران را نمی‌توان به دولت خاصی تخصیص داد البته می‌توان مدعی بود که بسیاری از استراتژی‌های بطور خاص وجود دارد که در کوتاه مدت می‌تواند در تحقیق افراد نسبت به انرژی تاثیر گذار باشد به طور مثال طرح گازرسانی که در زمان دولت آقای دکتر روحانی در سطح استان خوزستان به روستاهای مختلف برنامه‌ریزی و اجرا گشته است از برنامه‌های کوتاه مدت و به طور کامل اجرایی شده در این صنعت می‌باشد که می‌توان از آن به عنوان یک استراتژی کوتاه مدت موفق نام برد.

با توجه به نظر خبرگان مشخص گردید که ۵۸ درصد از افراد موافق این نظر هستند که در دوران اصولگرا‌ها ارتقای سطح سیاسی در استان خوزستان و در بین اقوام در سطح بالاتری نسبت به دولت اعتدالات قرار داشته است و ۴۲ درصد از خبرگان این ارتقاء سطح سیاسی را مربوط به دوران اعتدال‌طلبان می‌دانند بایستی توجه داشت که هر کدام از خبرگان مورد پرسش در این مقاله طبیعتاً خود دارای گرایش‌های سیاسی می‌باشند هرچند که قبل از مصاحبه از افراد خواسته شده است که بدون هیچ گونه گرایش سیاسی به سوالات پرسشنامه و مصاحبه‌ها پاسخ دهند اما نمیتوان نتایج تحقیق را کاملاً دارای روایی و پایایی بالایی دانست به صورتی که همه افراد بدون نظر شخصی به سوالات جواب داده باشند. به هر حال با توجه به نتایج به دست آمده مشخص گردید که دولت دکتر احمدی‌نژاد در ارتقای سطح سیاسی دارای سطح بالاتری از دولت دکتر روحانی می‌باشد البته این اختلاف چندان فاحش نبوده است. دلیل آن را می‌توان به سفرهای استانی دکتر محمود احمدی‌نژاد در زمان ریاست جمهوری دولت نهم و همچنین پیگیری‌های پی‌درپی از مراکز استانها را دانست و عوامل دیگری نیز نظیر انتخاب استانداران، فرمانداران، وزارت کشور فعالیت‌های افراد در بین اقوام در طول دوره ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد نشان از سطح بالای ارتقای سیاسی بین اقوام استان خوزستان را نشان می‌دهد. توصیه می‌گردد دولت‌ها دولت آقای دکتر روحانی علاوه بر پرداختن به سیاست‌های خارجی سیاست‌های داخلی کشور را نیز در دستور کار خود قرار دهند و علاوه بر شهرهای بزرگ و کلانشهرها آن را در سطح اقوام و اقلیت‌ها همچون استان‌های خوزستان و دیگر استانهای دارای ارقام متعدد این سطح و ارتقا دهند.

با توجه به نظر خبرگان که در این مقاله مورد نظر قرار گرفتند ۶۲ درصد از افراد وضعیت اقتصادی را در دوره اصولگراها بهتر از زمان اعتدال‌طلبان برآورد کردند و تنها ۳۸ درصد اعتدال‌طلبان را در موفقیت اقتصادی در استان خوزستان در زمان ریاست جمهوری دکتر روحانی برتر دانسته‌اند. استان خوزستان همانطور که میدانیم به علت اقلیم‌های متفاوت و آب و هوای متفاوت مشاغل متفاوت خود را دارا می‌باشد. اقتصاد این استان به دو بخش نفتی و غیر نفتی تقسیم بندی می‌شود اقتصادهای نفتی همانطور که میدانیم در دولت نهم دکتر احمدی‌نژاد ایران رکورد فروش نفت جهانی را دارا می‌باشد از همین رو با فروش حداکثری میزان نفت اقتصاد کشور ایران نیز طبعاً دارای پیشرفت‌های بیشتری نیز بوده است. استان خوزستان به دلیل فروش بی‌رویه نفت در در بخش اقتصاد نفتی دارای رشد خوبی بوده است. اما در دولت اعتدالات دکتر روحانی فروش نفت به حداقل ممکن در چند سال گذشته رسیده است و این عامل باعث شده است که بودجه کشور در چند سال متمادی بر

اساس اقتصاد های غیر نفتی بسته شود و همین امر موجب گشته است تا اقتصاد کلی کشور و به تبع آن استان خوزستان دارای افت قابل ملاحظه گردد. این امر در قسمت فوق نیز توسط نظر خبرگان این امر مسجل شده است. اما در بخش اقتصاد های غیر نفتی استان خوزستان در زمینه کشاورزی و دامداری این استان به ترتیب رتبه به ترتیب دوم و اول را در کشور دارا می باشند اما متأسفانه در طول ریاست جمهوری دکتر روحانی به علت کاهش صادرات و عدم مدیریت صحیح در بخش کشاورزی در بعضی مواقع میزان اقتصاد کشاورزان و دامداران تا حد بسیار زیادی کاهش پیدا کرده است. شاید اگر سیاست ها و استراتژی های صادرات محصولات کشاورزی و دامداری توسط خود عشایر و کشاورزان به عنوان یک طرح اقتصادی به آنان واگذار می گردید و تحت تعاونی های بازرگانی قدم پیش می گذاشت موفقیت های بیشتری را رقم می زد.

با توجه به نظر خبرگان مشخص گردید که دولت ها در گسترش فرهنگ بومی اکثراً مدیون دولت اعتدال طلب دکتر روحانی بوده اند زیرا ۵۸ درصد از افراد اعتدال طلبان را پیشگام در امر آداب و رسوم و فرهنگ در بین اقوام استان خوزستان دانسته اند. البته نباید از این موضوع بگذریم که ۴۲ درصد از افراد نیز اصولگرایان را به عنوان جریانی برتر برای فرهنگ و آداب و رسوم اقوام استان خوزستان در نظر گرفته اند. بایستی توجه داشت که آداب و رسوم و فرهنگ اقوام از دیدگاه خبرگان و نظریه پردازان دارای تفاوت های سلیقه ای در تعریف و پایه و اساس می باشد. بسیاری از خبرگان عواملی را که توسط بسیاری از جریان های سیاسی در سطح استان پیاده سازی میگردد را مانع ارتقای فرهنگ و آداب و رسوم اقوام می دانند اما عده ای دیگر از همان خبرگان این جریان ها و سیاست ها را عاملی در جهت موفقیت سازمان به حساب می آورند. در هر صورت با توجه به نتایج به دست آمده دولت اعتدالات در ارتقاء سطح فرهنگ در بین اقوام استان خوزستان در مرتبه بالاتر نسبت به دولت دکتر احمدی نژاد قرار گرفته است و موضوع مهمتر آنکه جدا از جریان های سیاسی اقوام استان خوزستان سالهاست که با فرهنگ غنی و سرشار از سیرت های زیبا از بهترین مردمان کشورمان به حساب می آیند که در هر زمان و به هر وسیله ای در کنار یکدیگر قرار می گیرند. به عنوان مثال در جنگ هشت ساله دفاع مقدس اقوام استان خوزستان نقش به سزایی را در پیشبرد جنگ به نفع دولت مرکزی را داشته اند و همچنین در سایر مبارزات سالهای پس از انقلاب اسلامی و حتی در پیشگامی در قبل از انقلاب اسلامی همواره جزو اقوام موفق و فرهنگ غنی به حساب آمده اند و چه بسا بسیاری از موارد بوده است که فرهنگ این اقوام توانسته است بر جریان های سیاسی کشور تاثیر گذار باشد.

سرمایه های اجتماعی هم محصول توسعه و هم در فرآیند توسعه نقش موثری ایفا می نمایند بدون سرمایه اجتماعی فرایند گذار و دست یافتن به راه های توسعه و تکامل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دشوار می باشد زیرا در اثر کمبود و فقدان سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه ها اثر بخشی خود را از دست می دهند. با توجه به داده های پیمایش های ملی، وضعیت شاخص های سرمایه اجتماعی در سطوح کلان، میانه و خرد نه تنها در استان خوزستان (رتبه هجدهم)، بلکه در سطح ملی نیز مناسب نمی باشد.

ضعف سرمایه اجتماعی و عدم تعادل های جمعیتی بر توزیع نابرابر منابع آب و خاک در سطح جلگه خوزستان بر توزیع نابرابر جمعیت و مراکز اقتصادی در سطح استان تاثیر گذاشته است بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ حدود ۷۵ درصد جمعیت شهر نشین استان در نیمه غربی استان و تنها حدود ۲۵ درصد در نیمه شرقی ساکن بوده اند. فرآیند خود بخودی سامان یابی جمعیت، فقدان دخالت اداری و فقدان برنامه ریزی مناسب فضایی و آمایشی، این روند خود بخودی را تثبیت کرده. به علاوه استقرار صنایع در جنوب استان به دلیل وجود ذخائر علیم نفتی و گازی و شرایط مناسب جهت سایر فعالیت های اقتصادی، این توزیع نابرابر را تشدید کرده است.

در لایحه برنامه پنجم توسعه ایران یک ماده به توسعه بویژه بعد روستایی آن اختصاص دارد که به صورت مفصل در ۱۳ بند به موضوعاتی مانند بهسازی روستاها و مناطق کم برخوردار، ارتقاء شاخص های توسعه و حمایت مالی از طریق اعطاء تسهیلات

و همچنین گسترش بیمه اجتماعی پرداخته‌است این امر بیشتر به منظور پیشگیری از مهاجرت بی رویه و برنامه ریزی در جهت توسعه استان ضروری می باشد. براساس این ماده دولت ها مکلف به بهبود وضعیت مناطقی از این دست در زمینه سیاست گذاری، برنامه‌ریزی راهبردی و نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرائی ضمن ارائه خدمات نوین و تهیه برنامه اولویت‌بندی در راستای ارتقای سطح درآمد و کیفیت زندگی و کاهش نابرابری‌های موجود بین جوامع روستایی و شهری هستند.

بحث فناوری اطلاعات و ارتباطات یکی از موضوعات موثر در این زمینه می باشد چراکه براساس شواهد بسیاری از مهاجرت‌های صورت گرفته از روستا یا شهرهای کوچک به کلان شهرها، نبود امکانات زیرساختی و همچنین امکانات و تکنولوژی جدید می‌باشد (لطفی، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

هر چند استان خوزستان بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۵ بعد از استان‌های تهران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس و البرز بیشترین جمعیت مهاجر را در خود اسکان داده اما وجود مسائلی از قبیل: خشک سالی، گرمای طاقت فرسا، وجود آلودگی‌های ناشی از کارخانه‌ها و مراکز صنعتی، نبود فضای مناسب برای بروز استعدادها، اشتغال زایی و سرمایه گذاری و مدیریت ناکارآمد منجر به خروج حدود ۴۰۰ هزار نفر در پنج سال گذشته از استان و کسب رتبه نخست مهاجرت در سطح کشور گردیده است نکته شایان توجه آن که بیشتر مهاجران نخبگان و کارآفرینان استان بوده‌اند که خود به فقدان زمینه‌های لازم رشد و توسعه در استان دام زده است.

هم چنین تمرکزگرایی شدید امکانات و سرمایه گذاری‌ها در مرکز استان از دیگر دلایل عدم توازن جمعیتی و مهاجرتی می باشند. در حقیقت شهرستان اهواز در سطح استان به جذب امکانات مختلف و در نهایت توسعه پرداخته و با اختلاف زیاد در رتبه نخست جمعیتی و توسعه یافتگی قرار گرفته است و نواحی پیرامونی خود را از توسعه باز داشته است. به گونه‌ای که شهرستان باوی که از کمترین فاصله مکانی با اهواز برخوردار است بیشترین میزان محرومیت را در بین شهرستان‌ها تجربه نموده و در مقابل با افزایش فاصله از مرکز بر میزان توسعه یافتگی شهرستان‌ها افزوده شده شهرستان‌های دزفول، آبادان، ایذه و بهبهان که در رتبه‌های بعدی از نظر میزان توسعه یافتگی هستند بیشترین فاصله مکانی را با اهواز دارند چرا که ترجیح برنامه ریزان بیش تر به سرمایه گذاری در جایی است که ریسک سرمایه را کاهش داده و استقبال از آن مصرف آن را افزایش دهد. بنابر این ساختار فضایی استان در امتیاز دادن به یک محیط و یا عدم توانایی یک محیط در جذب شدید امکانات و خدمات باعث خلق فضاهای برخوردار و محروم شده است. از نظر حاشیه نشینی و بافت فرسوده نیز خوزستان با ۴۰۰ هزار نفر جمعیت حاشیه نشین هم اکنون رده دوم کشور در بخش حاشیه نشینی را به خود اختصاص داده است. به عبارتی معادل ۲۰ درصد از جمعیت این استان در حاشیه شهرها و با امکانات محدود زندگی می‌کنند. بیش از ۱۵۰ هزار هکتار مساحت حاشیه نشینی در اهواز وجود دارد. مناطق حاشیه ای به صورت کمربندی از شمال غربی تا جنوب شرقی شهر را در بر گرفته است. این معضل که در طول جنگ به دلیل تخریب روستاهای مرزی به صورت مهاجرت‌های وسیع صورت گرفت با ساخت سدها و به زیر آب رفتن روستاها و بهره وری پایین کشاورزی در سال‌های بعد از جنگ ادامه یافت.

خوزستان از لحاظ ترکیب قومی و خرده فرهنگ‌ها، متکثرترین استان ایران است. بختیاری‌ها، عرب‌ها، فارس‌های بومی شهرها، لرها و... قرارگیری استان در نواحی مرزی با سابقه‌ی خطرپذیری و تنش‌های سیاسی، قومی و مذهبی و وجود برخی زمینه‌های قومی - فرهنگی برای ایجاد اختلافات قومی و طایفه‌ای از طریق محرک‌های بیرونی می‌تواند یک خطر بالقوه تلقی شود. بررسی‌ها حاکی از این است که احساس تبعیض و نابرابری و نیز بی اعتمادی به نهادهای دولتی طی سال‌های اخیر افزایش یافته که همین امر می‌تواند در آینده چالش‌های سیاسی و امنیتی گوناگونی را پدید آورد.

از جمله مسائلی که استان خوزستان در موضوع قومیت‌ها درگیر آن است، توزیع قدرت سازمانی است. اقوام ساکن در این استان معتقدند سهم ناچیزی از توزیع قدرت را در دست دارند. یکی از مهمترین تبعات این وضعیت بوجود آمدن احساس تبعیض در میان اقشار مختلف جامعه است. گسترش این احساس بویژه در میان قشر تحصیلکرده با شدت و شتاب بیشتری به چشم می‌خورد و بازنگری در وضعیت کنونی را به یکی از ضرورت‌های استان خوزستان تبدیل نموده است. با توجه به آنکه میزان مشارکت اقوام و اقلیت‌ها در مدیریت‌های کلان ملی و استانی به منزله محکی برای برآورد سطح اعتماد دولت یا حاکمیت به این اقوام یا اقلیت‌ها به حساب آمده است، توجه به این موضوع از اهمیت شایانی برخوردار است.

عنایت به موارد فوق ما را به ضرورت برنامه ریزی در جهت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی هدایت می‌نماید در جا باید یادآور شد که استان خوزستان دومین استان کشور از نظر رتبه نسبت مجموع پرونده‌های قضایی تشکیل شده به جمعیت استان است. بعلاوه از نظر میانگین رتبه میزان شیوع انواع رفتار پر خط به مانند قتل، سرقت، اعتیاد در بین استان‌های کشور رتبه اول را دارد (آمارنامه سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران).

استان خوزستان مبتنی بر استعدادهای درونی خود از نظر اقتصادی چندین وظیفه مهم و اساسی را در تقسیم کار ملی به عهده دارد. نخستین وظیفه عبارت از تولید، استخراج و صدور نفت و گاز و دیگری وجود مهمترین مبادی ورودی و خروجی کالا در از بنادر خود می‌باشد. سومین وظیفه تولید گندم و محصولات غیرفصلی کشاورزی برای کل کشور است. از نیمه دوم قرن جاری به وظایف سه گانه بالا، وظایف جدیدی همچون قطب نخست تأمین آب و برق (اولی با کاربرد استانی و دومی با کاربرد در شبکه ملی)، قطب اول صنایع شیمیایی و پتروشیمی کشور و جایگاه دوم تا سوم در صنایع فلزات اساسی کشور به آنها اضافه شده است. باید توجه داشت در کنار عوامل فوق همچون توسعه نامتوازن، و به تبع آن توزیع جغرافیایی نامتوازن منابع طبیعی، عدم تعادل شاخص‌های اقتصادی و فرصت‌های سرمایه گذاری در شاخه‌های گوناگون اقتصادی معضلات لزوم برنامه ریزی‌های راهبردی را الزامی می‌نماید. رشد و پویایی بخش صنعت تأثیر بسزایی در رشد اقتصادی استان و کشور دارد. متأسفانه در استان خوزستان شاهد رابطه معکوسی میان بهره‌وری سرمایه و موجودی سرمایه می‌باشیم. سه صنعت اصلی استان شامل صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی، تولید فلزات اساسی، صنایع مواد غذایی و آشامیدنی استخوان بندی اصلی صنایع استان را تشکیل می‌دهند.

در همین راستا راه کارها ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱. توزیع و تخصیص امکانات با توجه به قابلیت‌های هر منطقه به منظور حذف عدم تعادل‌ها و بازنگری در آمایش استان
۲. تشویق صاحبان سرمایه برای استقرار صنایعی مستقل از نفت و گاز با توجه به وضعیت اقلیمی و زیست محیطی استان، به گونه‌ای که در ارزیابی‌های اولیه استان خوزستان نسبت به استان‌های همجوار ترجیح داده شود.
۳. شناسایی پتانسیل‌های بالقوه بومی هر شهرستان، جهت بالفعل نمودن آنها در راستای ایجاد توازن در بین شهرستان‌ها و مناطق مختلف.
۴. توجه به فرصت‌های تکنولوژیکی و کاهش سهم ارزش افزوده بخش صنعتی و معادن و منابع غیر هیدروکربوری استان که بیشتر معادن رسوبی غیر فلزی و عمدتاً سنگ‌های ساختمانی در نواحی کوهستانی و پایکوهی و منابع معدنی شن و ماسه در نواحی جلگه‌ای.
۵. توجه موثر بر تجارت و ظرفیت بنادر در ایجاد فرصت‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی و توسعه و به روز رسانی شبکه حمل و نقل زمینی و ریلی استان.

۶. توجه به گردشگری با در نظر داشتن نوع اقلیمی و برخورداری از اقلیم بسیار متفاوت در فصول گرم و سرد سال و به ویژه در سال‌های اخیر برای یادمان‌های دفاعی، اهمیت مهم گردشگری یافته است.
۷. توجه به حفظ و نگهداری از آثار باستانی و تاریخی و مرمت آنها و نیز پیشگیری از نابودی آنها در جریان توسعه.
۸. رفع کمبودهای مراکز اقامتی و خدماتی و سرمایه گذاری در حوزه گردشگری جنگ و گردشگری عشایری.
۹. برنامه ریزی دقیق درحوزه محیط زیست و بهداشت و سلامت.
۱۰. سیاست گذار راهبردی در بخش انرژی با نگاه استانی و رفع ضعف نیروی انسانی استان در صنایع نفت و گاز.
۱۱. نگاه مثبت به اقوام و شایسته سالاری در بین قومیت های استان توسط سیاستمداران و مدیران اجرایی.
۱۲. تقویت برنامه های حفظ ایدئولوژی در بین اقوام و ضرورت توسعه مناسبات فرهنگی.
۱۳. ایجادزمینه مشارکت حداکثری اقوام در تصمیم گیری های سیاسی استان با ایجاد احزاب سیاسی.
۱۴. تقویت سنت ها و فرهنگ و آداب و رسوم اقوام توسط دولت ها.
۱۵. ایجاد برنامه ریزی های مبتنی بر عدالت در راستای تقسیم عادلانه انرژی در سطح استان خوزستان توسط دولتمردان و نظام سیاسی کشور.
۱۶. افزایش رونق اقتصادی و کارآفرینی در سطح استان خوزستان با استفاده از ظرفیت های انسانی اقوام موجود و تلاش در جهت گسترش آن در دولت های آینده.
۱۷. ایجاد بستر جذب سرمایه گذاری در مناطق کم جمعیت با ارائه مشوق هایی مانند تخفیف های مالیاتی، پرداخت تسهیلات کم بهره و ...
۱۸. حمایت از تشکیل نهادهای مدنی و تقویت نهادهای موجود و آزادی مطبوعات و اجرای کامل قانون شفافیت اطلاعات.
۱۹. پاسخ گویی و مسئولیت پذیری مدیریت استان در راستای مطالبات به حق و قانونی شهروندان و گروه های اجتماعی به منظور تقویت اعتماد و نهادینه شدن سرمایه های اجتماعی.
۲۰. رفع تبعیض و ایجاد فضای اجتماعی مناسب برای بروز توانایی های بالقوه انسان ها و شایسته سالاری با توزیع مناسب امکانات و منابع توسعه در بدنه جامعه، در سطح استانی و ملی که شکاف میان فقیرترین و غنی ترین را به گونه ای نسبی بر طرف نماید.
۲۱. تلاش در جهت کاهش فساد در قوای سه گانه/ شایسته سالاری در نظام مدیریتی و اداری استان.
۲۲. توجه به مبدا و مقصد مهاجرت ها جهت شناسایی علت های مهاجرت و ارائه راهکارهایی متناسب با شرایط هر منطقه.
۲۳. فراهم آوردن امکانات مورد نیاز در مبدا به منظور جلوگیری از مهاجرت و کاهش آسیب های ناشی از مهاجرت در مقصد. توسعه سرمایه گذاری، تولید و اشتغال با توجه به پتانسیل های موجود در استان که امکان جذب مهاجران برون استانی را نیز فراهم خواهد آورد.
۲۴. مسئله شناسی دلایل مهاجرت از روستاها و اجرای طرح های مناسب جهت ایستایی جمعیت در روستا.
۲۵. برنامه ریزی در جهت مقابله با بحران ها و مسائل زیست محیطی به عنوان یکی از عمده دلایل مهاجرت جمعیت مانند امکان سنجی انتقال صنایع آلاینده از محدوده ی شهرها و یا الزام آنها به رعایت دقیق موازین زیست محیطی.

۲۶. کاهش کارکردهای مدیریتی و کنترلی بر فضای پیرامونی خود و اعطای توانایی تصمیم‌گیری به شهرهای دیگر استان و ارائه می‌معافیت‌ها، مزایا و امتیازات ویژه برای جلوگیری از تحرک منابع و افزایش سرمایه گذاری‌ها در شهرهای پیرامونی استان.

۲۷. فعال کردن و جایگزینی فعالیت‌های اقتصادی در زمینه زراعت آبی، باغداری، دامداری و صنایع وابسته به فعالیت‌های محلی

۲۸. شناسایی نقاط قوت و امکانات آنها در زمینه ی صنایع دستی، گردشگری و تولیدات محلی و جذب سرمایه گذاری خصوصی در زمینه‌های فوق.

۲۹. بهبود شرایط اقتصادی، کالبدی و اجتماعی ناشی از وقوع جنگ تحمیلی و فراهم کردن شرایط توسعه همه جانبه.

۳۰. مشارکت نیروی انسانی متخصص بومی در اداره استان با سپردن موقعیت‌های اجتماعی و مدیریتی بدون پیش فرض‌های قومی، مذهبی و یا غیره،

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵)، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ اول.
- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و اهداف سند چشم مانداز توسعه ایران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۸)، دانشنامه سیاسی تهران: انتشارات مروارید.
- افتخاری، اصغر(بی تا)، نبود سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت، سایت WWW.aftab.ir
- افتخاری، علیرضا (۱۳۸۴)، ساختار اجتماعی امنیت، مطالعه موردی جمهوری اسلامی، تهران: نشر گلپویه
- آمارنامه سرشماری نفوس، سازمان برنامه ریزی استان، ۱۳۹۵.
- ایران به روایت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۳۸.
- بوزان، باری(بی تا)، مردم دولتها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برتون، رولان (۱۳۸۰). قوم‌شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- پورهایمی، سید عباس (۱۳۸۲)، احساس امنیت و حقوق شهروندی، تهران، ۱۳۸۲، نشریه پگاه شماره ۱۳۵.
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۹۴)، منازعه قومی و سیاست بین‌الملل (چگونگی انتشار و افزایش): ۱۳۹۴، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- تاج یک، محمدرضا (۱۳۷۷)، انتظام در پراکندگی بحثی در امنیت ملی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم.
- دادگر، یدالله و رو حالله نظری (۱۳۸۸)، بررسی شاخص فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان: ۱۳۸۸، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۶۴.
- دارابی، علی(بی تا)، نگاهی نو به مقوله امنیت در جمهوری اسلامی ایران، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶.
- رضایی میرقائد، محسن و علی مبینی دهکردی(بی تا)، ایران آینده در افق چشم انداز: تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رضائیان، علی (۱۳۸۴)، ایجاد و استقرار مدل چشم انداز سازمانی در پرتو چشم انداز نظام ج.ا. ایران فصلنامه دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۸ و ۹
- روحانی، حسن (۱۳۸۵)، امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.

زالی، علیرضا(۱۳۸۵)، دیدگا ههای بهداشتی در سند چشم انداز بیست ساله کشور: تهران، ۱۳۸۵.
سالار، محمد(۱۳۹۱)، مؤلفه‌های امنیت در اندیشه امام خمینی(ره)، مجله اندیشه، شماره ۶، سایت www.tebyan.net
۹۱/۱۰/۶

سایت دانشنامه آزاد ویکی پدیا https://fa.wikipedia.org/wiki/سند_چشم_انداز_بیست_ساله_جمهوری_اسلامی / حسن روحانی
سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی « ، (مهدی پور، حسین) زمستان 1384
سیف زاده، سید حسین، اصول روابط بین الملل: تهران، ۱۳۸۰، نشر میزان.
شریف پور، حامد (۱۳۸۷). رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد، مطالعات ملی، س ۹، ش ۱، صص ۱۱۵-

۸۹

طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، جلد هشتم، ترجمه سیدمحمدباقر همدانی، قم، ۳۷۰: دفتر انتشارات اسلامی.
عبا س زاده، هادی و کامران کرمی، سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار ، ۱۳۹۰، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵۱.
عبدالحمیدی، حسین، تأثیر فساد مالی بر امنیت ملی، فصلنامه معرفت، شماره ۵۲.
عزیزی، ستار (۱۳۸۵). حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، همدان: انتشارات نور علم.
علایی، حسین، امنیت پایدار در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، نشریه آفاق امنیت، شماره ۱۵ .
عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، جلد سوم، تهران، ۱۳۷۹: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
عمید، حسن، فرهنگ عمید.

قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام پور، تهران ۱۳۸۹: مؤسسه نشر شهر.
کریمی، زهرا(۱۳۸۶)، پایداری به اهداف سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶، اطلاعات سیاسی اقتصادی،
شماره ۴۰ .

گودرزی، حسین (۱۳۸۵). مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
مختارزاده، علیرضا(۱۳۸۳)، سلسله مقالات قومیت شناسی امنیتی، ماهنامه سخن آشنا، ۱۳۸۳، شماره ۸ و ۱۰.
مطهری، مرتضی(بی تا)، سیری در نهج البلاغه از مجموعه آثار، جلد ۱۶ ، تهران، انتشارات صدرا.
معین، محمد(۱۳۹۱). فرهنگ فارسی، چاپ چهلم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
معین، محمد(۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم.
میرزایی، سیدآیت‌الله(۱۳۹۶). ناسیونالیسم و قومیت در ایران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره هجدهم، شماره ۱، صص
۶۸-۳۲.

میرسندسی، سید محمد(۱۳۹۰)، تحلیل جامعه شناسی امنیت در ایران با تأکید بر رویکرد تاریخی، تهران، سایت
www.csss.ir.

نصیری، حسین(۱۳۸۴)، امنیت ملی پایدار، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۱۵.
نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۴: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۸۶: سازمان چاپ و انتشارات بدرقه جاویدان.
نویدینیا، منیژه(۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- Anderson, Torben M. (2007), "Increasing longevity and Social Security Reforms: A legislative Procedure Approach", *Journal of Public Economics* 92.
- D. Klaus, (2000), *Geopolitics in a Changing World*, London: Prentice Hall.
- Dennis Wrong, (1994), *The Problem of Order*, Cambridge Harvard University.
- Estos, Carroll L. (2004), "Social Security Privatization and Older Women: A Feminist Political Economy Perspective", *Journal of Aging*
- Hong Jay H. & Jose -Victor Rios-Rull (2006), "Social Security, lifeInsurance and Annuities for Families", *Journal of Monetary Economics* 54.
- J. Law, (1994), *Organizing Modernity*, Combridge: Black Well Publishers.
- Mearshiemer, John, (2001), *The Tragedy of Great Power Politics*, New York, Norton Company.
- Miscevic, Nenad, (2010)"Nationalism", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Summer 2010 Edition), Edward N. Zalta (ed.), URL = <<http://plato.stanford.edu/archives/sum2010/entries/nationalism/>>.
- Mitchell, Paul T. (2000), «Network Centric Warfare», *Adelphi Paper*, No. 385.
- Simon, Steven, (2007), "American and Iraq: The Case for Disengagement" *Survival*, Vol. 49, No. 1.
- Smith, A. D. (2003) *Nationalism: Theory, Ideology, History*. London: Polity Press.
- The Greco-Bulgarian Communities Case, for full text see: [http:// www. World courts. com/pcij/eng/decisions/1930.07.31_grecobulgarian](http://www.Worldcourts.com/pcij/eng/decisions/1930.07.31_grecobulgarian).
- Williamson, John B. (2002), "Privatization of Social Security in the United Kingdom Warning or Exemplar?", *Journal of Aging Studies* 16.